توضیحی در مورد ابواب الزیادة تهذیب

- قرار دادن روایت داود رقی در باب زیادات صوم توسط شیخ طوسی
- نقل تنها یک روایت از زکریا بن یحیی در کتب اربعه و اشتراک او بین ده نفر
- درس شهید اول، اولین کتاب ناقل روایت داود رقی

قرار دادن روایت داود رقی در باب زیادات صوم توسط شیخ طوسی

نکته دوم در مورد این حدیث راجع به ابواب الزیادات تهذیب است. ابواب الزیادات، اصطلاحی است.مثل شهید این ابواب الزیاده برای ایشان واضح نبوده است. مرحوم نوری در مستدرک تعجب میکنند، چطور ابواب الزیادات تهذیب برای ایشان خیلی واضح نبوده.

علی ای حال شیخ طوسی تهذیب را نوشتند، وقتی آن را شروع کردند میخواستند شرح مقنعه مفید باشد و همه روایات خاصه و عامه را بیاورند. بعد که کمی جلو رفتند دیدند که این تمام نمیشود. گفتند پس فقط روایات خاصه را میآورم و بین آنها جمع میکنم. چون به اینصورت شد، دیدند بخشی از روایات خاصه را نیاوردهاند. برگشتند «ابواب الزیادات» را نوشتند. یعنی کتاب صلات داشتند و زیادات الصلات. کتاب الصوم، و زیادات الصوم.

الآن هم در ابواب زیادات الصوم این روایت آمده است؛ به نظرم ای روایت آخر ای یکی ماندہ به آخرین روایت تهذیب است. در ابواب الزیادات تهذیب است که شیخ بعداً آنها را اضافه کردند. راجع به ابواب الزیادات و توضیحات آن، مرحوم نوری در مستدرک آوردهاند. تعجب هم میکنند. به نظرم از شهید ثانی ای اول بود. یادم نیست.

نکتهای که الآن در مورد ابواب الزیادات میخواهم بگویم این است: مرحوم شیخ در تهذیب و استبصار روایتی که میآورند معمولاً به این صورت است: ای دلیل میآورند، ای برای مطلبی شاهد میآورند ای بهعنوان معارض میآورند که میخواهند جمع کنند ای جواب بدهند. نوعاً به این صورت است.

به خلاف این حدیث داود رقی؛ آن را در آخر ابواب الزیادات فقط آوردهاند. یعنی هیچ معلوم نمیشود که برداشت خود مرحوم شیخ از این حدیث چه بوده. خیلی از جاها هست که برداشت شیخ معلوم میشود که بهعنوان معارض است، مقبول هست یا نیست، تاویل کنیم یا نه. اما در اینجا هیچی ندارند. این هم یک نکته است. یعنی ما چیزی در دست نداریم که نشان بدهد شیخ الطائفه از این حدیث چه فهمیدهاند و جای آن کجا بوده. تنها آن را بهعنوان حدیث آخر ای یکی ماندہ به آخر آوردهاند. این هم نکته دوم.

شاگرد: این اعتبار ابواب الزیادات هم با غیر آنها فرقی نمیکند؟

استاد: نه، فرقی نمیکند.

شاگرد: فقط یادشان رفته که آنها را بیاورند.

استاد: در قبلی ها سند را میآوردند. در ابواب الزیادات فقط به طریق مشیخه را میآورند. یعنی میدیدند که مفصل میشود، گفتهاند من اسم صاحب کتاب را اول حدیث میگذارم، سند خودم به

صاحب آن کتاب را بعداً در مشیخه می‌آورم تا کتاب حجیم نشود. نوعاً در ابواب الزیادات از صاحب کتاب اسم می‌برند.

شاگرد: روایتی که در باب زیادت صوم آمده و در خود صوم نیامده، به‌خاطر صرفاً فراموشی بوده؟ جهت دیگری ندارد؟

استاد: صرف فراموشی هم نبوده. مقنعه مفید متن بوده، طبق متن روایتی را که دال بر آن فرع بوده می‌آوردند. روایات بسیاری بوده که دقیقاً به این فرع مربوط نبوده و نیاورده‌اند. بعد که از این نظر برگشتند گفتند لااقل یک تهذیب بنویسیم که هر چه خاصه روایت دارد، در آن باشد. لذا بعد ابواب الزیادات را به آن اضافه کردند. احتمال دیگر هم برای ابواب الزیادات داده‌اند که درست نیست. خود ابواب الزیادات تهذیب بحث‌های خوبی دارد. نمی‌دانم در فدکیه آورده‌ام یا نه.

می‌خواستم نکته سومی را هم بگویم که یادم رفت. وارد متن حدیث شویم.

شاگرد: شما یحیی بن زکریا گفتید، اشتباه گفتید.

> 23:43

استاد: زکریا بن یحیی است؟ خُب این تفاوت من با سید بحر العلوم است. حاج آقا زیاد می‌گفتند. می‌گفتند سید گفت احمد بن محمد. یک کسی در بحث ایشان گفت نه آقا این محمد بن احمد است. سید گفت نه احمد بن محمد است، خودش و پدرش و جدش را تا حضرت آدم می‌شناسم! خیلی عجیب است. حاج آقا این را چندین بار از سید بحر العلوم نقل کردند. صاحب همین مصباح! این جور چیز را یک دفعه می‌گویند. یعنی ببینید چقدر تفاوت هست بین این جور افراد با امثال من. زکریا شد؟

شاگرد: زكريا بن يحيى الكندي الرقي.

نقل تنها یک روایت از زکریا بن یحیی در کتب اربعه و اشتراک او بین ده نفر

استاد: ایشان از کسانی است که در کتب اربعه و در وسائل که از کتب اربعه بیشتر دارد...؛ چون میدانید وافی تنها کتب اربعه است. وسائل بعد از وافی است که صاحب وسائل مصادر حسابهای را به آن اضافه کرده. صاحب مستدرک گفتند که چرا مرحوم صاحب وسائل بقیه آنها را نیاورده است. مستدرک عینی کتابهایی را که صاحب وسائل نیاورده بودند اضافه کردند. لذا وسائل خیلی زیاد دارد. از تمام کتب سبعه؛ اموالی، خصال و فضائل صدوق را دارد. در وسائل که گستردهتر از کتب اربعه است درعینحال از این زکریا بن یحیی الرقی تنها و تنها همین روایت هست. هیچ حدیث دیگری نقل نشده است. در تمام کتب اربعه تنها راوی است. البته حدود ده زکریا بن یحیی داریم. شاید دو تا از آنها معلوم است. هشت تا یا نه تا از آنها را میگویند معلوم نیستند. لذا زکریا بن یحیی از افرادی است که میتوان در موردش بیشتر تحقیق کرد. آیا اینها به هم برگشت دارند یا ندارد؟! مجال کار دارد. در نرمافزار هم مبهم نوشته بود.

«و منها: ما رواه الشيخ في آخر أبواب الزيادات»؛ یک روایت آخر است. شیخ هیچ نظری راجع به این روایت ندارد.

«عن داود الرقّي، عن أبي عبد الله عليه السّلام، قال: «إذا طلب الهلال في المشرق غدوة فلم ير، فهو هاهنا هلال جديد، رئي أم لم ير».

درس شهید اول، اولین کتاب ناقل روایت داود رقی

میخواستم سه-چهار نکته بگویم که یادم آمد. نکته دیگر این است که از چیزهای جالب این حدیث، همانطوری که در کل کتب اربعه، زکریا بن یحیی تنها در همین روایت راوی است، اولین کتاب فقهیای که پیدا کردم به این روایت اشاره کرده، درس شهید است. یعنی این همه کتب فقهی با بحثهای مختلف بوده اصلاً این روایت در کتب قبل از شهید نیامده. در این همه کتب مفصل از علامه حلی و.. اصلاً این روایت نیامده. اگر شما پیدا کردید بفرمایید. من تا جایی که ممکن بود گشتم. اولین شخصی که این روایت را مطرح کردهاند شهید اول در درس هستند. بعداً در وافی و سایر کتب آمده است. این هم نکتهای بود که شما ببینید قبل از درس هم پیدا میکنید یا نه.